

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ: ۱۳۸۸/۰۱/۲۲

جمع بین صلاتین - بررسی احادیث اهل بیت علیهم السلام - معنای افضلیت تفریق

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة والسلام علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله؛

بحث ما در جمع بین الصلاتین در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بود. آخرین روایتی که ما خواندیم و عرض کردیم که روایت صحیح است، بلکه صحیحه اعلائی است، از «زرارة بن اعین» از امام صادق (علیه السلام) بود که فرمودند:

«صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ص بِاللَّائِسِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ وَ صَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ سُفُوطِ الشَّقَقِ مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ وَ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَتَسَبَّحَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ.»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۴؛ ص ۱۳۹، بَابُ جَوَازِ الصَّلَاةِ فِي

أَوَّلِ الْوَقْتِ وَ وَسْطِهِ وَ آخِرِهِ...، شماره ۴۷۳۶-۶

دلالت حدیث را هم عرض کردیم که خیلی صریح، روشن و واضح است. هم عمل پیغمبر را نقل کرده است و هم اینکه عمل او بدون هیچ علت و مشکلی بوده است. یعنی در سفر و باران و امثال آن نبوده است و همچنین فلسفه آن هم «لِيَتَسَبَّحَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ» بوده است.

روایت بعدی، روایتی است که «شیخ صدوق» آورده است که سندا مشکل دارد و «عباس ناقد» در سند وجود دارد که این شخص مجهول است. در این روایت می‌گوید:

«تَفَرَّقَ مَا كَانَ فِي يَدِي وَ تَفَرَّقَ عَنِّي حُرَفَائِي»

در زبان عرب هم معامله را «حریف» می‌گویند. یعنی هم حرفه و هم شغل و آن کسانی که با ایشان داد و ستد می‌کردند، ورشکست شدند و از بین رفتند. ورشکستی را در زبان عربی مفلس می‌گویند. مفلس یعنی کسی که در دست خودش غیر از یک فلس بیشتر ندارد. المفلس فی امان الله، به این معنا نیست که من کان عنده فلس فی امان الله، بلکه من کان عنده فلس واحد؛ یعنی تمام زندگی او رفته است و فقط یک شاهی، یا یک تومان بیشتر نمانده است. فلس یکی از واحدهای پول عراقی است. در رجال دارد که:

«فُلَيْسُ خَيْرُ مِنْهُ»

مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.؛ مقدمه ج ۱؛ ص ۸
(پاورقی)

درباره بعضی از راوی‌ها گفته شده است که پول خیلی کوچک ارزشی بالاتر از این راوی دارد. فلیس یعنی پول کوچک؛ وقتی که می‌خواهند یک راوی را خیلی بی ارزش قرار بدهند، این تعبیر را به کار می‌برند.
می‌گوید:

«تَفَرَّقَ مَا كَانَ فِي يَدِي وَ تَفَرَّقَ عَنِّي حُرَفَائِي فَشَكَّوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ (عليه السلام)»

من ورشکست شدم، رفتم و این مشکلاتم را با امام عسکری (عليه السلام) در میان گذاشتم.

«فَقَالَ لِي اجْمَعْ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ تَرَى مَا تُحِبُّ»

اگر می‌خواهی ورشکستی تو جبران بشود، نماز ظهر و عصر خودت را یکجا بخوان!

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۴؛ ص ۲۲۳، بَابُ جَوَازِ الْجَمْعِ

بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ لِغَيْرِ عُدْرِ أَيْضًا، شماره ۹-۴۹۷۹

البته ما روایات متعدد دیگری هم داریم که می‌گویند: «مما یزید فی الرزق الجمع بین الصلاتین» چیزی که باعث می‌شود روزی انسان زیاد بشود، جمع کردن بین دو نماز است. حالا اینکه چه رمزی دارد، ما پشت پرده را نمی‌دانیم. ولی در این زمینه روایاتی در منابع روایی شیعه داریم به اندازه‌ای که قلب انسان اطمینان پیدا می‌کند.

البته آنچه در روایات قطعی ما داریم و در کتاب «آداب المتعلمین» آورده است - در آنجا به طلبه‌ها توصیه می‌کند که درست است که خدای عالم روزی تمام موجودات را با سبب و مسبب می‌دهد، ولی روزی اهل علم و طالب علم را «من غیر سبب و مسبب» و «من حیث لایحتسب» می‌دهد. - ایشان به طلبه‌ها توصیه می‌کند که خودشان را ملزم کنند از چیزهایی که روزی را کم می‌کند، اجتناب کنند. بعد یک سری اموری که روزی انسان را کم می‌کند را ردیف می‌کند از جمله آنها خواب بین الطلوعین است. یعنی هیچ عملی برای کم کردن روزی به اندازه خواب بین الطلوعین موثر نیست. از آن طرف هم شاید بگوییم بالای سی تا روایت داریم که ائمه (علیهم السلام) توصیه می‌کنند که اگر بخواهید روزی‌تان زیاد بشود، خواب بین الطلوعین را کنار بگذارید. حتی در روایتی است که اگر کسی بین الطلوعین بیدار بماند، برای جلب روزی بهتر از این است که گنجی بدست آورد. در هر صورت این هم خواندنی است و بد نیست که آدم این کتاب آداب المتعلمین را مطالعه کند مطالب ظریف زیادی در آن وجود دارد.

کلمه «رزق» در اینجا تقریباً انصراف به مسائل اقتصادی دارد و مسائل معنوی را «رزق» نمی‌گویند. گرچه در دعاها رزق در امور معنوی هم آمده است. مانند:

«اللهم ارزقني حلاوة الايمان وطعم المغفرة ولذة الإسلام ارزقني من فضلك علماً نافعا و بدنأ سالماً»

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن _متوفای ۴۶۰ق_، مصباح المتهدجد، ص ۵۱۰، ناشر : مؤسسة فقه الشيعة - بيروت - لبنان، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م

در اینجاها کلمه «ارزقنی» می‌آید ولی در آنجایی که می‌گوید فلان چیز «یزید فی الرزق» انصراف به مسائل مالی دارد.

در آنجا بحث زیادتی در روزی را مطرح می‌کند و روی این مطلب خیلی تأکید دارد که آنچه روزی را زیاد می‌کند، حضور قلب در نماز است. یعنی برای زیادی روزی دو چیز خیلی اثر دارد: یکی مسأله حضور قلب در نماز است و دیگری تهجد و نافله شب است که در روایت می‌گوید دروغ می‌گوید کسی که نماز شب می‌خواند، ولی روز محتاج است و گرسنه می‌ماند. این خیلی عجیب است! نکته سوم هم که در زیادتی روزی تأثیر دارد، استغفار است.

«يا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»

سوره هود، آیه: ۵۲

استغفار در زیاد شدن روزی تأثیر زیادی دارد. نکته‌ی دیگر اینکه روایتی از آقا امام حسین (سلام الله علیه) است که در «صحیفه علویه» بیان شده است. کسی خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌رسد و راوی هم خود امام حسین است، می‌گوید: کسی در نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) از مشکلات مالی شکایت کرد و به

امیرالمؤمنین عرض کرد که من زن و بچه زیاد دارم و مشکلات مالی زیادی دارم و حتی برای نان شب خودم که نان خالی به بچه‌هایم بدهم، با مشکل مواجه هستم. حضرت فرمود: چرا استغفار نمی‌کنی؟

«یا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»

سوره هود، آیه: ۵۲

آن شخص می‌گوید من استغفار می‌کنم ولی اثری ندیدم. حضرت می‌فرماید آنطوری که من می‌گویم استغفار کن! بعد حضرت یک دعای استغفار را بیان می‌کند و این عرب می‌نویسد. بعد حضرت می‌فرماید که این استغفار را قبل از خواب با حضور قلب و با گریه انجام بده و اگر گریه نداشتی خود را به تباکی بزن! حضرت می‌فرماید آن عرب رفت و سال بعد خدمت پدرم برای تشکر آمد و گفت یا علی من از آن شبی که گفتم این دعا را بخوان، شروع کردم به خواندن و ترک نکردم و خدای عالم به قدری به من روزی داد که حتی جایی برای ثبت و ضبط اینها ندارم. خداوند آنقدر گاو و گوسفند و شتر و امثال آن به من داده است که دیگر جایی برای ثبت و ضبط آنها ندارم. این دعا هم خیلی عجیب اثر دارد! هرکسی را خداوند توفیق داد و این دعای استغفار را خواند، اصلاً زندگی او از این رو به آن رو شده است. یعنی خیلی عجیب اثر دارد. مگر اینکه بعضی از افرادی که یکی دو ماهی می‌خوانند و توفیق از آنها سلب می‌شود. لذا دوستانی که حال و حوصله دارند و دوست دارند که به مکنات مالی برسند، این دعای استغفار در حقیقت یک گنجی از گنج‌های الهی است. این دعا را «آقای ابطحی» در «صحیفه علویه» آورده است. آن کتاب «صحیفه علویه» سابق این دعا را ندارد ولی این «صحیفه علویه» که ایشان تألیف کرده است، خیلی مفصل است و سند آن را هم ذکر کرده است و خیلی جالب است.

در هر صورت در اینجا «الکلام یجر الکلام» شد. حضرت فرمود:

«فَقَالَ لِي اجْمَعْ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَ العَصْرِ تَرَى مَا تُجِبُّ»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۴؛ ص ۲۲۳، بَابُ جَوَازِ الْجُمُعِ
بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ لِغَيْرِ عُدْرِ أَيْضًا، شماره ۹-۴۹۷۹

روایتی هست که می‌گوید اگر کسی بخواهد روزی او زیاد بشود، بعد از نماز ظهر چند بار بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ»

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للمصدق) - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ش؛ النص؛ ص ۳۸۸، المجلس
الحادی و الستون، شماره ۱۰

برای زیادی روزی خیلی مؤثر است. حالا اینکه چه رمزی بین ظهر و عصر است؟ این را هم داشته باشید که نماز
ظهر و عصر افضل صلوات یومیه است. یعنی در میان این پنج نماز، نماز عصر از همه افضل است. حالا اگر ما در
آن چهار نماز خیلی حضور قلب نداریم، تلاش کنیم که حداقل نسبت به صلاة العصر حضورمان را یک مقداری
بیشتر کنیم.

در روایت دیگری از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است که فرمود:

«أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ قَالُوا بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - فَقَالَ الْجُمُعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»

آیا نگویم که چه چیزی روزی را زیاد می‌کند؟ گفتند بلی! فرمود جمع بین دو نماز باعث زیاد شدن روزی
می‌شود.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۱۵؛ ص ۳۴۷، بَابُ جُمْلَةِ مِمَّا
يُنْبَغِي تَرْكُهُ مِنَ الْخِصَالِ الْمُحَرَّمَةِ وَ الْمَكْرُوهَةِ، شماره ۲۱-۲۰۷۰۴

البته این روایت مرسل است.

روایت دیگری را «محمد بن الحسن» به اسناده عن «محمد بن احمد شیخ طوسی» از «سعد بن عبدالله» از «محمد بن الحسین» نقل می‌کند که «سعد بن عبدالله» ثقه است، «محمد بن الحسین ابی الخطاب» هم هرکجا می‌آید ثقه است، «موسی بن عمر» ثقه است، «عبدالله بن مغیره» ثقه است و «اسحاق بن عمار» هم ثقه است. روایت صحیحه است و هیچ مشکلی ندارد. «عبدالله بن مغیره» هم که جزء اصحاب اجماع است.

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ نَجْمُ عَ يَبْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ فِي الْحَضْرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّقُّ مِنْ غَيْرِ عَلَّةٍ قَالَ لَا بَأْسَ»

آیا می‌توانیم بین مغرب و عشاء جمع کنیم قبل از آنکه شفق از بین برود، بدون اینکه مانعی مثل سفر باشد؟
حضرت فرمود اشکالی ندارد.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۴؛ ص ۲۰۴، بَابُ جَوَازِ تَقْدِيمِ

الْعِشَاءِ قَبْلَ ذَهَابِ الشَّقِّ... شماره ۴۹۲۷ - ۸

همچنین از «حسین بن سعید» عن «ابن ابی عمیر» که ثقه است، «عن رهط»، از یک دسته‌ای و گروهی که «منهم فضیل» است، که منظور «فضیل بن یسار» است که می‌گویند دارای کرامت بوده است و جزء کسانی بوده است که همانطوری که سلمان در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) جایگاه والایی داشت، «فضیل بن یسار» هم در زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مقام بالای پیدا کرده بود. می‌گویند وقتی که ایشان را غسل می‌دادند، غسل یک مقداری بی مبالا بود. موقع غسل دادن میت باید رعایت کنند که عورتین میت مکشوف نشود. می‌گویند وقتی که جنازه «فضیل» را این غسل این طرف و آنطرف می‌کرد که بشوید و غسل بدهد، این جنازه با دست خودش روی عورتین خودش را می‌گرفت که مبادا مثلاً کشف بشود و

چشم کسی به آن بیفتد. «فضیل» از بزرگواران است و صاحب کرامت بوده است. از «زراره» از ابی جعفر (علیه السلام) از رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کند که:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۴؛ ص ۲۲۳، بَابُ جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ لِغَيْرِ عُدْرِ أَيْضًا، شماره ۴۹۸۱ - ۱۱

تا اینجا ما حدود چهارده، پانزده روایت از ائمه خواندیم. البته روایت زیادتر از اینها است که در ابواب مختلف مرحوم صاحب وسائل و مرحوم «شیخ طوسی» و «کلینی» اینها را آورده‌اند. از مجموع اینها نتیجه می‌گیریم که آنجایی که انسان عذر دارد، شکی نیست که جمع بین صلاتین مرضی شارع است و در آنجایی که عذر ندارد باز هم مرضی شارع است. ما حدود دوازده روایت آوردیم که این روایات غالباً مستند به عمل نبی مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است.

بحث دیگری که در اینجا وجود دارد اینکه در یکی از این روایات ما خواندیم که حضرت فرمود:

« وَ قَالَ (عليه السلام) وَ تَفْرِيقُهُمَا أَفْضَلُ »

اگر کسی نماز خودش را جدا جدا بخواند افضل است

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.؛ ج ۴؛ ص ۲۲۰، بَابُ جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ ...، شماره ۴۹۷۰ - ۷

اگر کتاب «العروة» را نگاه کنید، در احکام صلاة مسأله ۷ که البته چندین چاپ برای عروه وجود دارد و من از «عروه» دوازده حاشیه‌ای که جامعه مدرسین اخیراً چاپ کرده است و حاشیه «مرحوم نائینی» و «شیخ ابوالحسن اصفهانی» و «مرحوم آقای بروجردی» را دارد، نقل می‌کنم. ایشان اینطوری فتوا می‌دهند:

«يستحبّ التفريق بين الصلاتين المشترکتين في الوقت كالظهرين و العشاءين»

جدا انداختن و تفريق بين ظهر و عصر و مغرب و عشاء مستحب است.

«و يكفي مسماه»

مسمای تفريق کفایت می‌کند.

مسمای تفريق که البته آقایان در اینجا خیلی حاشیه دارند که امام (ره) در اینجا می‌گوید:

«فيه تأمل»

در اینکه با مسمای تفريق استحباب وجود داشته باشد، نیاز به تأمل دارد

مثلاً آقایان می‌گویند شما اگر دو رکعت نماز مستحبی بخوانید «يطلق عليه التفريق» یا مثلاً یک مقداری تعقیبات یا دعای فرج بخوانید «يطلق عليه انه قد فرق بين الصلاتين». البته در اینجا به نظر ما همان فرمایش امام فرمایش متینی است که می‌گویند تناسب حکم و موضوع باید باشد و به قول آقای «سبحانی» که همیشه می‌گفت «قرینه همجواری» باید باشد. بعضی وقت‌ها می‌گفت مثلاً یک روایتی که می‌آید، هفت هشت موضوع در اینجا می‌آید، چون در «حدیث رفع»، قرینه همجواری را می‌گرفت و می‌گفت همه در یک ردیف هستند. حالا قرینه همجواری یا تناسب حکم و موضوع باید رعایت بشود. هر واژه در هر جایی معنای ویژه‌ای دارد. اگر در یک جا می‌گوید تفريق مستحب است، یا اینکه تفريق اولی است، در اینجا «التفريق» در برابر جمع است. «الجمع

بين الصلاتين يعنى اقامة الصلاتين فى وقت واحد، اقامة العصر فى وقت الظهر و اقامة العشاء فى وقت المغرب»، به اين جمع گفته مى‌شود. مى‌گويند شيعيان جمع بين صلاتين مى‌کنند و حال آنکه در شيعه هيچ جماعتى و حتى نماز فرادى را هم پيدا نمى‌کنيد که بدون تعقيب باشد. حتى من بعضى از افراد را ديده‌ام که نماز را به صورت فرادى هم که مى‌خوانند، بعد از آن حتى الله اکبر، الله اکبر خمينى رهبر، مرگ بر آمريکا مى‌گويند! اين را من خودم بارها شنیده‌ام!

پس قضيه تفريق در اينجا يعنى خواندن نماز ظهر فى وقت الظهر و خواندن نماز در وقت عصر که دو ساعت و نيم و نزديک سه ساعت فاصله است، به اين تفريق مى‌گويند. در اينجا که مرحوم سيد مى‌فرمايند:

«يستحبّ التفريق بين الصلاتين المشتركتين في الوقت كالظهرين و العشاءين، و يكفي مسماها»

« و في الاكتفاء به بمجرد فعل النافلة وجه »

اينکه دو رکعت نافله هم بخوانيم براى تفريق کفايت مى‌کند.

البته در اينجا بعضى از آقايمان، از صاحب جواهر نقل مى‌کنند که:

«وجيه لا بأس به»

البته ايشان رواياتى هم در اين زمينه در جواهر آورده است.

بعد ايشان مى‌گويد:

« و إن كان لا يخلو عن إشكال »

چون ايشان اول فتوا مى‌دهد که مسماى تفريق کفايت مى‌کند. بعد مى‌گويد:

«و في الاكتفا به بمجرد فعل النافلة وجه»

شما اگر دو رکعت نماز نافله هم بخوانید، تفریق انجام گرفته است.

بعد می‌گوید:

«و ان كان لا يخلوا من اشكال»

حالا شاید به این نکته که بنده عرض کردم ایشان توجه داشته است. البته مرحوم «نائینی» می‌گوید:

« بل الأقوى عدمه، و الأفضل من التفریق ما كان على أوقات الفضيلة»

تعریف افضل از تفریق این است که بر مبنای اوقات فضیلت باشد.

یعنی نماز ظهر در وقت فضیلت خودش خوانده می‌شود، نماز عصر هم در وقت فضیلت خودش خوانده بشود.

وقت فضیلت عصر در آنجایی است که سایه شاخص به دو برابر برسد. چون می‌گوید:

«و ان كان لا يخلوا من اشكال بل الأقوى عدمه»

اقوی این است که اشکالی وجود ندارد.

یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۲، ص: ۲۶۱، (مسألة ۷): يستحب التفریق بین

الصلاتین المشترکتین ...

یعنی با خواندن یک نافله این سایه شاخص که وقتی به دو برابر می‌رسد، وقت فضیلت نماز عصر می‌رسد، يطلق

علیه انه فرق بین الصلاتین الظهر و العصر. این را آقایان داشته باشند که صاحب عروة اینگونه بیان کرده است.

دیگر فقهای ما در این حدود دویست سال، در این زمینه هیچ حاشیه‌ای ندارند. اگر این کتاب «عروة» را که جامعه مدرسین چاپ کرده‌اند، آقایان داشته باشند، خیلی خوب است که از صاحب جواهر به این طرف تمام نظرات را آورده‌اند و زحمت زیادی کشیده‌اند.

این فتوایی است که فقهای ما بر آن غالباً نظر داده‌اند که «التفریق اولی»، «التفریق افضل» یا «التفریق مستحب».

در «ذکری» وقتی شهید اول همین مسأله تفریق را مطرح می‌کند، در آنجا هم می‌گوید در مذهب امامیه «جواز الجمع بین الصلاتین» است و استحباب تفریق هم از بعضی از نصوص فهمیده می‌شود. در اینجا یک نکته ظریفی است و شما این نکته ظریف را در نظر بگیرید. در اینجا ما یک نظری می‌خواهیم عرض بکنیم که یک مقداری باید در حال و هوای زمان صدور روایات برویم و هوای آن مجتمع و جامعه‌ای که این روایات در آنجا صادر شده است و ببینیم آیا این فرمایشات فقها را می‌توانیم قبول بکنیم یا خیر؟ فتوا به استحباب تفریق به استناد روایات امکان پذیر است یا خیر؟ یا به تعبیر آقایان معاصر این موقعیت زمانی و مکانی فقاقت یا موقعیت زمانی و مکانی صدور روایت، در استنباط حکم شرعی خیلی دخیل است. من احساس می‌کنم که بعضی از بزرگواران یک مقداری به ظاهر روایات عنایت کرده‌اند و فتوا داده‌اند. حالا ما دو سه روایت در این زمینه می‌خوانیم تا ببینیم آیا از این روایات می‌شود استحباب تفریق را استفاده کرد یا خیر؟ البته دو ماه قبل یکی از مراجع بزرگوار به من زنگ زد و در رابطه با مباحث وهابیت کاری داشت، تقریباً ساعت سه و نیم بعد از ظهر بود، دیدم ایشان نماز می‌خواند. ایشان گفت من بنابر استحباب نماز عصر را به تأخیر انداختم و الآن داشتم نماز عصر را می‌خواندم. البته فقهای معاصر ما هم هرچند در بیرون جرأت نمی‌کنند، اما گاهی در خانه در بین نمازها جدایی می‌اندازند.

روایت اول روایت صحیحه است که روایت «عبدالله بن سنان» بود و قبلاً بیان کردیم که فرمود:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ فِي السَّفَرِ يَجْمَعُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَالظُّهْرِ وَالْعَصْرِ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ إِذَا كَانَ مُسْتَعْجَلًا»

بعد فرمود:

« وَ قَالَ (عليه السلام) وَ تَفْرِيقُهُمَا أَفْضَلُ »

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق؛ ج ۴؛ ص ۲۲۰، بَابُ جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ ...، شماره ۴۹۷۰ - ۷

این روایت صحیح است و هیچ شبهه‌ای از نظر سند نداریم.

روایت دیگر، روایت «معاویة بن میسر» است که روایت مجهول است. می‌گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فِي طُولِ النَّهَارِ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ»

آن وقتی که اذان ظهر می‌شود، ما می‌توانیم نماز ظهر و عصر بخوانیم؟

«قَالَ نَعَمْ وَ مَا أَحِبُّ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ.»

حضرت فرمود بله می‌توانید، اما دوست ندارم همیشه این کار را انجام بدهید

طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۲؛ ص ۲۴۷، بَابُ الْمَوَاقِيتِ، شماره ۱۷

مثلاً شما حداقل هفته چند مرتبه نمازتان به صورت تفریق بخوانید.

روایت دیگری از «زراره» نقل می‌کند:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَصُومُ فَلَا أَقِيلُ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ»

من روزه می‌گیرم ولی خواب قیلوله نمی‌کنم تا اینکه وقت ظهر می‌رسد.

آقایان بدانند که خواب قیلوله نیم ساعت قبل از اذان و نیم ساعت بعد از اذان ظهر است.

«فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ صَلَّى نَوَافِلِي ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ صَلَّى نَوَافِلِي ثُمَّ صَلَّى العَصْرَ ثُمَّ نِمْتُ وَ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ النَّاسُ»

قبل از اینکه اهل سنت نمازشان را بخوانند، من نماز عصرم را تمام می‌کنم.

«فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ الْوَقْتُ وَ لَكِنِّي أَكْرَهُ لَكَ أَنْ تَتَّخِذَهُ وَقْتاً دَائِماً»

ای «زراره» وقتی که اذان شد، وقت نماز ظهر و عصر رسیده است ولی من دوست ندارم که این کار را شما همیشه انجام بدهید.

طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۲؛ ص ۲۴۷، بَابُ

المَوَاقِيتِ، شماره ۱۸

یعنی من دوست ندارم که هر روز شما قبل از اینکه مردم نمازشان را بخوانند، نماز عصرتان را بخوانید. البته در اینجا یک روایتی هم از کافی من آورده‌ام که روایت ظاهراً صحیحه است و از امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرماید:

« سَأَلَهُ إِنْسَانٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رُبَّمَا دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ وَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُصَلُّونَ الْعَصْرَ وَ بَعْضُهُمْ يُصَلُّونَ الظُّهْرَ فَقَالَ أَنَا أَمَرْتُهُمْ بِهَذَا لَوْ صَلَّوْا عَلَيَّ وَ قَتَّ وَاحِدٍ عَرَفُوا فَأُخِذَ بِرِقَابِهِمْ »

می‌گویند من در مسجد رفتم، دیدم بعضی‌ها نماز ظهر می‌خوانند و بعضی‌ها نماز عصر را می‌خوانند. حضرت فرمود: من دستور داده‌ام که این کار را نکنند. اگر همه شیعیان نماز ظهر و عصرشان را اول بخوانند، شناخته می‌شوند و حکومت گردن آنها را می‌زند یا جاسوس‌ها این‌ها را می‌گیرند و به زندان می‌برند برایشان مشکل ایجاد می‌شود.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.ج ۳؛ ص ۲۷۶، بَابُ وَقْتِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ، شماره ۶

همین یک روایت کافی است که ما بگوییم آن احادیثی که می‌گویند تفریق افضل است، نه اینکه افضل عندالله باشد، بلکه «افضل لكم»، «افضل لحفظکم» یا «افضل لمكان التقية» است. یا اینکه وقتی می‌گویند «لَكِنِّي أَكْرَهُ لَكَ أَنْ تَتَّخِذَهُ وَقْتًا دَائِمًا»؛ یعنی برای تو، نه برای همه شیعیان! برای تو که شاخص هستی و دیده می‌شوی این کار خوب نیست. این سخن را برای چه کسی می‌گویند؟ برای «زراره» می‌گویند. یعنی ای «زراره» برای شخصی مثل تو این کار درست نیست. چون شناخته می‌شوی! در روایتی امام صادق (علیه السلام) «زراره» را لعن می‌کند! می‌گویند:

«لَعَنَ اللَّهُ زُرَّارَةَ»

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشي - إختيار معرفة الرجال - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق؛ النص؛ ص ۱۴۷

از این طرف هم به پسر «زراره» می‌گوید از من به پدرت سلام برسان و بگو اگر من از او مذمت می‌کنم، برای اینکه حکومت احساس کند که بین من و او شکرآب است و باهم اختلاف داریم و به خاطر تقرب به ما و رابطه او با ما مشکلی برای او پیش نیاید.

در اینجا وقتی که روایات کنار هم قرار می‌گیرد، نشان می‌دهد که یک کاسه‌ای زیر نیم کاسه است! وقتی که امام می‌گوید:

«و تَفْرِيقُهُمَا أَفْضَلُ»

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق؛ ج ۴؛ ص ۲۲۰، بَابُ جَوَازِ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ ...، شماره ۴۹۷۰ - ۷

یا اینکه می‌گوید:

«و لَكِنِّي أَكْرَهُ لَكَ أَنْ تَتَّخِذَهُ وَقْتًا دَائِمًا»

من دوست ندارم که این کار را شما همیشه انجام بدهید.

طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خرسان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق؛ ج ۲؛ ص ۲۴۷، بَابُ الْمَوَاقِيتِ، شماره ۱۸

این‌ها برای این است که «لئلاَّ أُخْذَاو بِرِقَابِهِمْ». چون از زمان صدور روایات و آن جوی که این روایات صادر شده است، اینطوری می‌فهمیم که نشان می‌دهد این افضل بودن بخاطر حفظ موقعیت شیعه بوده است. بنابراین فرمایش صاحب «عروه» که به استناد این روایات می‌گوید:

«يستحبّ التفريق بين الصلاتين المشتركتين»

يزدى، سيد محمد كاظم طباطبائي، العروة الوثقى (المحشى)، 5 جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۲، ص: ۲۶۱، (مسألة ۷): يستحبّ التفريق بين الصلاتين المشتركتين ...

به نظر ما، اين سخن هيچ موردی ندارد.

و السلام عليكم و رحمة الله